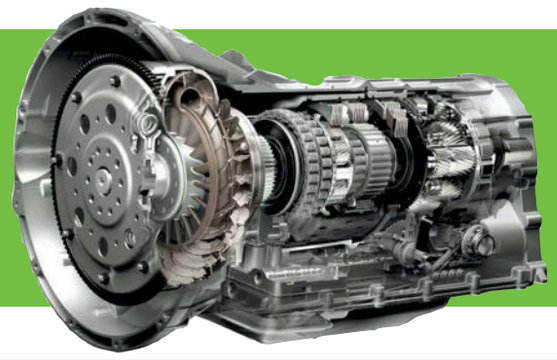

حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#بارفروش_ترافیک

داوودی از تهران:

وانت‌بارهای میوه فروش، دو لاین از بلوار هجرت و خیابان رحیمی را مسدود کرده و باعث کندی تردد و ترافیك می‌شوند. شهرداری محترم منطقه ۱۴ اقدام عاجل کند.

#ایستگاه_اتوبوس

قریشی از تهران:

با جابه‌جایی در ورودی شهرك شهید بهشتی واقع در منطقه ۱۴ تهران، چاره‌ای برای جایگزینی ایستگاه اتوبوس اندیشیده نشده و این موضوع مشکلاتی را برای ساکنان این شهرك پرجمعیت ایجاد کرده است.

#افتتاحیه_بی‌مردم

حیدر از تهران:

در روز افتتاحیه نمایشگاه گل و گیاه مردم را پشت درها نگه داشتند و اجازه حضور شهروندان را ندادند. چرا؟

#آشفتگی_مسکن

گودرزی از تهران:

قیمت مسکن باز هم رو به افزایش است؛ در حالی که مسؤولان نیز نظارتی نمی‌کنند.

#خودرو_نابسامانی

محمودی از ساری:

حتی پیش‌فروش فوری خودرو نیز کمکی به بازار آشفته خودرو نکرد و روز به روز قیمت خودرو افزایش پیدا می‌کند.

#جاده_بلاتکلیفی

جعفری از زنجان:

بیش از ده سال است که جاده بیجار به زنجان در حال دوبانده شدن است، ولی هنوز به پایان نرسیده است چرا؟

#چراغ_راهنمایی

مزینانی از تهران:

سبز شدن یکباره چراغ راهنمایی میدان هفت تیر باعث ماندن خودروها در وسط چهارراه و جریمه آنان می‌شود. خواهشمند است مسؤولان شهرداری و پلیس رسیدگی کنند.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ با عنوان «نقشه - مترو» مشاور مدیرعامل و مدیرارتباطات و اموربین‌الملل متروی تهران و حومه با ارسال نمابری اعلام کرد: قرار است به زودی نقشه خطوط هفتگانه مترو چاپ و در تابلوی قطارها نصب شود، ضمن این‌که در ایستگاه‌هایی که به بهره‌برداری رسیده و فعال است در ایستگاه‌ها و قطارها از طریق بلندگوها به مسافران اطلاع‌رسانی می‌شود.

روایت موفقیت بانوی پژوهشگری که یک معلم، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد

مریم میرزاخانی جدید از لنگرود می‌آید!

مریم خباز

جامعه

می‌گویند هزار سال پیش وقتی سلطان محمد ملکشاه سلجوقی از دنیا رفت و متعاقبش فرامرز بن مردانشاه لنگرودی از تهران آزاد شد، نام شهر لنگرود هم برای اولین بار به کتاب‌های تاریخی آمد، شهری که رودی پر آب از وسطش می‌گذشته و چون قابل کشتیرانی بود و لنگرگاهی داشت به لنگرود شهره شد، همانجا که ۲۰۰ سال پیش لویی روبینو، کنسول سفارت بریتانیا در رشت در کتاب «مازندران و استرآباد» درباره اش نوشته که کناره‌های رودخانه لنگرود زیباترین منظره‌ای است که در ایران دیده است.

لنگرود در کنار همه زیبایی‌های طبیعی‌اش، چهره شهیر و بنام نیز کم ندارد، چه علما و فضلایش باشند و چه شعرا و ادبایش. حالا به این فهرست باید نام بانویی را نیز اضافه کرد که درخلوت آزمایشگاه و سکوت عرصه پژوهشگری یك بار دیگر نام لنگرود را زنده کرده. دکتر سمیه کاظم‌نژاد هنوز ۴۰ سالش نشده با این حال مدیر گروه مهندسی بافت پژوهشگاه ابن سینا و جنین‌شناس مرکز درمان ناباروری و سقط مکرر است و حدود دو سال است در حوزه مهندسی بافت و سلول درمانی نیز یك شرکت دانش بنیان تاسیس کرده است.

او ۱۱ سال قبل جایزه جشنواره جوان خوارزمی را به دست آورد، هفت سال قبل پژوهشگر برتر استان گیلان شد و پنج سال پیش پژوهشگر برتر جهاددانشگاهی. دکتر کاظم‌نژاد تا به حال بیشتر از ۵۰ مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی چاپ کرده، پنج ثبت اختراع دارد و علاوه بر کتاب «زیست‌شناسی پیشرفته سلول‌های بنیادی بالغ» که به زبان فارسی نوشته، چهار فصل از یك کتاب بین‌المللی را نیز تالیف کرده، کارنامه‌ای که وقتی کنار هم چیده شد دست‌اندرکاران جشنواره ملی زن و علم را مجاب کرد تا در حوزه علوم پزشکی، جایزه مریم میرزاخانی را به این پژوهشگر لنگرودی اهدا کنند.

حالا او در گفت‌وگو با جام جم از گذشته و حال و آینده‌اش می‌گوید، از یك زن تمام عیار ایرانی که هم زن است، هم همسر، هم مادر، هم مدیر و هم پژوهشگر.

سمیه کاظم‌نژاد به مدرسه که رفت درس و کتاب چشمش را نگرفت و فکر کرد مدرسه رفتن وقت تلف کردن است! او خانواده را بدجور نگران کرده بود و هرچه در گوشش می‌خواندند که درس بخوان ثمری نداشت. سمیه به کلاس چهارم که رسید منزلشان تغییر کرد و پشت بندش مدرسه‌اش. روزی که وارد مدرسه جدید شد خانم معلم مهربان که معلم کلاس اولش بود رو به بچه‌های کلاس گفت که سمیه بهترین دانش‌آموز مدرسه قبلی بوده و حالا به مدرسه جدید آمده تا اینجا هم بهترین باشد. سمیه این را که شنید یك چیزی گوشه ذهنش را قلقلك داد و باور کرد که می‌تواند بهترین باشد. از همان روز ورق زندگی‌اش برگشت و رفت پی درس و کتاب، بعد هم فهمید که درس آن‌قدرها که فکر می‌کرده بد نبوده، اصلا با خودش گفت چقدر خوب است بچه‌ها درس بخوانند. سمیه این‌چنین یکباره متحول شد و به دوره راهنمایی که رسید عضو تیم المپیاد ریاضی شد، تفریحش هم حل کردن معادلات ریاضی و کیف بردن از این دنیای پیچیده شده بود.

این عاشق ریاضی اما در دبیرستان رشته تجربی خواند چون خانواده فکر می‌کردند که این رشته آینده‌دارتر از بقیه است، سمیه هم چون زیست‌شناسی را دوست داشت، شد دانش‌آموز رشته تجربی. سمیه اما کنکور که داد رشته‌اش به جای پزشکی شد تغذیه، رشته‌ای که او را از لنگرود آورد پشت میز و نیمکت‌های دانشگاه شهید بهشتی تهران. حالا سمیه کاظم‌نژاد یك دانشجوی درس‌خوان بود، یك دختر با اراده و مصمم که بلافاصله بعد از اتمام دوره کارشناسی، دانشجوی کارشناسی ارشد شد ولی نه در رشته تغذیه که در بیوشیمی از نوع بالینی‌اش، رشته‌ای که می‌تواند مکانیسم‌های سلولی را تجزیه و تحلیل کند و آنالیز بهتری از علم تغذیه ارائه دهد. سمیه هنوز دانشجوی ارشد بود و داشت پایان‌نامه می‌نوشت که در کنکور دکترای بیوشیمی رتبه دوم را کسب کرد و با تصمیم استادانش در مصاحبه پذیرفته شد. این سرآغاز تغییر مسیر زندگی سمیه کاظم‌نژاد بود، نقطه‌ای که به ازدواجش ختم شد، او را صاحب دو پسر دوقلو کرد و نشاندش پشت میز و صندلی پژوهشگری.

اوایل دهه ۸۰ سلول‌های بنیادی شده بود همه فکر و ذکر سمیه، همین سلول‌ها نیز شدند موضوع پروژه و تز دوره دکترایش، سلول‌هایی که او چهار مقاله آی اس آی درباره‌شان نوشت و علتی شد برای برگزیده شدن سمیه کاظم‌نژاد در جشنواره جوان خوارزمی و عضو شدنش در بنیاد ملی نخبگان. موضوع پروژه او ایجاد سلول‌های کبدی از سلول‌های بنیادی در یك ساختار سه بعدی بود، موضوعی که راه صاف کن وی برای ورود به پژوهشگاه ابن سینا نیز شد.

سمیه کاظم‌نژاد در پژوهشگاه، سلول‌های بافت آندومتر را که مرتبط است با تولید مثل و باروری زنان انتخاب کرد و برای مسلط‌تر شدنش به این حوزه دوره تخصصی جنین‌شناسی را نیز گذراند تا با پل زدن میان جنین‌شناسی و سلول‌شناسی، بتواند مشکلات باروری افراد را برطرف کند و کاری کند تا روزنه امیدی باز شود برای همه کسانی که تکنیك‌های معمول آی‌وی‌اف گرهشان را باز نمی‌کند.

او حالا هم پژوهشگر است و هم درمانگر حوزه ناباروری، بانویی که دارد از سلول‌های بنیادی در این حوزه کمك می‌گیرد و بسیار امیدوار است که نتایج پژوهش‌هایش لبخند و شادی را به زندگی آدم‌ها برگرداند.

درمان ضایعات استخوانی. غضروفی، درمان زخم‌های دیابتی و درمان ناباروری به کمك مهندسی بافت و سلول‌های بنیادی حوزه‌هایی است که سمیه کاظم‌نژاد روی آنها متمرکز است. مطالعات گسترده آزمایشگاهی و حیوانی اینها با موفقیت پشت سر گذاشته شده، مرحله پیش بالینی هم موفقیت‌آمیز بوده و کار حالا به کارآزمایی بالینی رسیده است. نتایج کار برای سمیه آن قدر امیدبخش است که به ما می‌گوید اگر اوضاع به همین نحو خوب پیش برود برای نخستین بار در دنیا تکنیك‌هایی به وجود خواهد آمد که جایگزین روش‌های فعلی که چندان نیز کارآمد نیستند، می‌شود.

او اما می‌گوید، باید از پژوهش‌های مرتبط با سلول‌های بنیادی بهتر و بیشتر حمایت شود، چون این حوزه نیازمند بودجه است و اگر به پژوهشگران پر و بال بودجه‌ای و تجهیزاتی داده شود، کارهای بزرگ‌تری انجام خواهند داد. ولی چه می‌شود کرد که این حوزه نیز گرفتار تحریم هاست، تحریم‌هایی که واردات مواد اولیه و تجهیزات را دشوار کرده و سمیه افسوس می‌خورد اگر نتایج سال‌ها کار پژوهشگران و جایگاه قابل ملاحظه‌ای که ایران در جهان به دست آورده، متزلزل شود.

زندگی+

خانم مخترع

سمیه کاظم‌نژاد تا به حال در حوزه پزشکی چند ثبت اختراع داشته است: تولید بافت‌هایی که به درمان بیماری کمك می‌کند، تولید بافت مهندسی شده غضروف در شرایط آزمایشگاهی، تولید محصولی مشابه پوست، تولید بافت کبد از سلول‌های بنیادی با پروتکلی کاملا ایرانی و ابداع پروتکلی جدید برای تولید سلول‌هایی در شرایط آزمایشگاهی که فعال‌تر از سلول‌های موجود هستند.

جنین‌شناسی، مهندسی بافت و سلول‌های بنیادی همه‌اش برای این بانوی پژوهشگر شگفتی است. او مبهوت عظمت خداست وقتی که به عنوان جنین‌شناس در آزمایشگاه دو سلول نر و ماده را با هم لقاح می‌دهد و در بدن زن می‌کارد و بعد این سلول لقاح یافته به انسانی تبدیل می‌شود با بی‌شمار قابلیت و آن وقت بعد از ۹ ماه این سلول دست ساخت می‌شود نوزادی در آغوش والدینش و او از دیدن شادی آنها ذوق می‌کند و خستگی از تن به در می‌رود.

سمیه به‌عنوان یك متخصص مهندسی بافت گرچه می‌داند کارهای بشر به پای آنچه خداوند خلق می‌کند، نمی‌رسد ولی در آزمایشگاه همه سعی‌اش این است که بافت‌هایی مصنوعی بسازد و آنها را جایگزین بافت‌های از دست رفته یا بافت‌های از کارافتاده کند و باز هم کیف کند از این که اندامش به وضعیت قبل از بیماری‌اش بازگشته و انسانی از رنج خلاص شده. او مبهوت عظمت خدا می‌شود وقتی با سلول‌های بنیادی کار می‌کند و می‌بیند این سلول‌ها به محض ورود به خون به کمك مولکول‌هایی که درسطحشان دارند از مولکول‌های ناحیه آسیب دیده پیام‌هایی دریافت می‌کنند و سریع خودشان را به آنها می‌رسانند تا زخم و دردی را التیام دهند. او می‌گوید فتبارك ا... احسن الخالقین که این نظام خلقت با چه نظمی تدبیر می‌شود.

آدم‌های موفق تك بعدی نیستند، یك بانو اگر در محیط کار موفق است و جایگاه نخبگی دارد در زندگی شخصی‌اش حتما موفق‌تر است؛ سمیه کاظم‌نژاد چنین بانویی است. او با دو فرزند دوقلو خواست و پژوهش کرد، با همین دو فرزند شد پژوهشگر برتر، به خاطرشان نخواست که فرصت مطالعاتی از دانشگاه‌های خارجی بگیرد، خواست که بماند پیش فرزندانش، کنار همسر و خانواده‌اش چون او مثل خیلی از بانوان ایرانی خانواده را به همه چیز ترجیح می‌دهد. این روزها با این‌که او پست‌های مدیریتی پرمشغله‌ای دارد اما به خانه که می‌رسد، می‌شود یك کدبانوی تمام عیار، یك مادر مهربان، یك همسر خوب، زنی با دستپختی عالی و صاحب خانواده‌ای گرم. او حواسش به همه چیز هست و از دو پسرش جانانه حمایت می‌کند، حتی وقتی که جنین بودند و او با علم تغذیه‌ای که آموخته بود، اجازه نداد فرزندانش مثل خیلی از دوقلوها کم وزن به دنیا بیایند یا مشغله‌های کاری‌اش سلامت بچه‌ها را به خطر بیندازد.

با این حال سمیه کاظم‌نژاد، رویاهای شغلی‌اش را با قوت دنبال می‌کند و دوست دارد پژوهش‌هایی که در حال انجام آنهاست به تایید نهایی برسد تا آن وقت ببیند که تحقیقاتش به خدمتی پزشکی تبدیل شده و جلوی بسیاری از اختلافات خانوادگی حتی آسیب‌های اجتماعی گرفته شده است.

یادداشت:
سرهنگ مصطفی نجمی

کارشناس عالی تصادفات

امداد نجات‌بخش در تصادفات

بسیاری از مردم حداقل یك بار با صحنه تصادفی مواجه شده‌اند که در آن سرنشینان آسیب دیده یا در خودرو گیر افتاده‌اند، اما سؤال اینجاست که وقتی مردم با چنین صحنه‌ای روبه‌رو می‌شوند، چگونه باید به مجروحان کمك کنند؟

در این شرایط، اگر شاهدان تصادف دانش لازم را درباره کمك‌های اولیه داشته باشند، می‌توانند اقدامات موثری برای نجات مصدومان انجام دهند، اما اگر شاهدان این تصادفات چنین دانشی نداشته باشند، نباید شتاب‌زده عمل کنند، زیرا انجام هرگونه اقدام ناسنجیده ممکن است به قیمت جان مصدومان تمام شود. اولین کاری که افراد هنگام مشاهده تصادفات فوتی و جرحی باید انجام دهند، این است که ضمن حفاظت از مصدومان، در حداقل زمان ممکن مراتب را به اطلاع پلیس و اورژانس با اعلام دقیق محل تصادف برسانند.

بعد از این اقدام، شاهدان تصادف باید تا زمان رسیدن گروه‌های امدادی و پلیس، بین خود تقسیم کار کنند. به این صورت که گروهی به حال مصدومان رسیدگی کنند و گروهی دیگر نیز رانندگان خودروهای عبوری را از وقوع تصادف مطلع کنند تا از بروز تصادفات بعدی پیشگیری شود.

همچنین لازم است افرادی که به مصدومان یك تصادف رسیدگی می‌کنند، خودروهای خود را در نقطه‌ای دور از محل تصادف پارك کنند و علامت مثلث خطر را در فاصله ۷۰ متری در دو طرف این محل قرار دهند. بخصوص اگر جاده پیچ‌دار یا ناهموار باشد و محل تصادف از فاصله دور به خوبی دیده نشود.

از سویی دیگر شاهدان تصادفات باید برای جلوگیری از آتش‌سوزی، برق خودروهایی را که تصادف کرده، قطع کنند و مانع تجمع افراد بی‌اطلاع و کنجکاو در اطراف مصدومان شوند. ضمن این که این افراد باید اموال و مدارك مجروحان را به پلیس تحویل دهند و نهایت سعی خود را برای حفظ جان قربانیان پیش از رسیدن اورژانس داشته باشند.

هنگام روبه‌رو شدن با تصادفات جرحی، گاهی اشتباهاتی رخ می‌دهد که باید برای حفظ جان مصدومان از آنها اجتناب کرد. نخست این که نباید گمان کنیم مجروحی که بیهوش شده، فوت کرده است. اشتباه دوم نیز رسیدگی به زخمی‌هایی است که نیاز چندانی به کمك ندارند و رسیدگی به آنها باعث غفلت از کسانی می‌شود که دچار خفگی یا زخم‌های باز با خونریزی شدید هستند.

اشتباه دیگر هم حرکت دادن مجروحانی است که در گردن یا کمر آنها احتمال بروز ضایعه نخاعی وجود دارد، زیرا هرگونه کشیدگی اعضای این مصدومان ممکن است سطح آسیب را بالاتر برده و حتی به قطع نخاع منجر شود.